

بیانیه دانشجویان مسلمان مبارز

بنام خدا

شانزدهم آذر و توطیه های رژیم بر ضد جنبش دانشجویی

امسال رژیم با مطالعات و بررسیهای فراوانی که با استفاده از مغزهای فروخته شده عوامل خودو تجربیات ضد خلقی در سرکوب جنبش های مردمی کسب کرده، تصمیم گرفته است با متد تازه ای با جنبش دانشجویی مقابله کرده و آنرا بزعم خود نابود سازد. شناخت و تحلیل این حيله ها و کید های ساواک برای تداوم مبارزه و خنثی کردن ضربات دشمن بسیار فوری و ضروری است و ما ذیلاً برخی از موارد آنرا ذکر میکنیم:

- ۱ - تغییر اغلب رؤسای دانشکده ها و مسوولین امور دانشگاه و انتصاب افراد صد درصد مطیع و احیاناً وابسته ساواکی.
- ۲ - برچیدن کلیه کانونها و انجمن های مستقل دانشجویی از قبیل کتابخانه های اسلامی، اطاق کوهنوردی، نشریه و سازمان انتشارات، گروه سخنرانی، فیلم، مسافرت و ... بمنظور سلب امکانات کار گروهی.
- ۳ - توطیه تفرقه افکنی بین گروههای مبارزو ضد رژیم برای منحرف کردن جهت مبارزه و فراموش کردن دشمن واقعی.
- ۴ - ممانعت از اسم نویسی و ورود دختران با حجاب بدانشگاه برای ضربه زدن به جناح اسلامی و در عوض پذیرفتن درصد مشخصی از دختران بدون رعایت ضوابط کنکور و برای ایجاد زمینه های انحراف فکری و فساد اخلاق (رژیم در اینمورد بر اثر مقاومت دانشجویان و فشار افکار عمومی مجبور به عقب نشینی گردید).
- ۵ - مجاور ساختن خوابگاه پسران و دختران و مشترک کردن سلف سرویس، تشکیل اردوهای مختلط تفریحی کنار دریا و ایجاد مجالس رقص و موسیقی و دعوت از هنرمندماهای مبتذل و فاسد برای سرگرم کردن دانشجویان.
- ۶ - تشکیل اردوهای تابستانی بنام «عمران ملی» برای نشان دادن خدمات و اثرات خود و پر کردن وقت پر بهای تابستانی دانشجویان با لاطیالات و برنامه های حساب شده.
- ۷ - تغییر در برنامه درسی و امتحانات برخی از دانشکده ها بطوریکه هفته حدود ۱۶ آذر دانشگاه رسماً و عملاً تعطیل باشد.

اینها قسمتی از برنامه هایی است که در جهت اهداف شیطانی رژیم بمرحله اجرا در آمده است و بموازات رشد جنبش دانشجویی دایماً توسعه و تعمیم می یابد.

جنبش دانشجویی در ایران بعنوان جنبشی سیاسی انقلابی (نه تنها صنفی بادعای رژیم) در رابطه مستقیم با شرایط خاص اجتماعی ایران و استبداد و اختناق حاکم کشور را تشکیل میدهند ولی در شرایط پلیسی حاکم بعنوان مهمترین سنگر آزادی، از حیات و استقلال معنوی خلق پاسداری کرده و نقش حساس و سازنده ای در جریان نهضت ملی ایران داشته اند. جنبش دانشجویی ایران نه بعنوان حرکتی مستقل و جدای از حرکت های سیاسی و سرنوشت ملت ایران بلکه در ارتباط و پیوند مستقیم با آن و با بهره مندی از رشد فکری و آگاهی سیاسی اجتماعی بعنوان شاخه ای از جنبش ضد استبدادی ضد استعماری در دوران مبارزات نهضت ملی ایران برهبری دکتر مصدق وسعت گرفت و شکوفا شدو همواره پیشاپیش سایر قشرها و طبقات در جریانات بعد از کودتای ننگین ۲۸ مرداد، در واقعه ۱۶ آذر سال ۱۳۳۲، در مبارزات سیاسی سالهای ۴۰ - ۳۹ دوران نخست وزیری دکتر امینی، در قیام ملی ۱۵ خرداد سال ۱۳۴۲ و بالاخره در جهت گیری بسمت جنبش نوین انقلاب مسلحانه حرکت کرده است.

این جنبش بشکل تظاهرات گسترده در اولین عکس العمل دانشجویان نسبت به کودتای ۲۸ مرداد در ۱۶ آذر سال ۱۳۳۲ نمایان شد. در آن روز نیکسون (نماینده آیزنهاور) برای چیدن میوه کودتای ۲۸ مردادو دستورالعمل به نوکران کودتاچی بایران میآمد. دانشجویان که کاخ آمال و آرزوهای خود را با سقوط حکومت ملی دکتر مصدق و استقرار مجدد

دیکتاتوری شاه واژگون میدیدند بشدت بورود نیکسون اعتراض کردندو در مصاف با پلیس مسلح رژیم با فدا کردن سه تن از جوانمردان خود (شریعت رضوی، قندچی، بزرگ نیا) خون و شهادت را در مقابله با شرایط یزیدی برگزیدند. از آن تاریخ این نهال برومند با خون شهدای دیگری دایماً آبیاری شده، ریشه ها دوانده و شاخ و برگها و میوه ها داده است و دانشجویان این روز را نقطه عطف بزرگی دانسته و بیاد شهدای در خون خفته اش پیمان خود را با تازه واردین دانشگاه تجدید میکنند و این روز به برکت خون شهدای پیشگامش نه تنها در دانشگاه ایران بلکه در سرتاسر عالم از سال ۱۹۶۵ بدرخواست «سازمانهای بین المللی دانشجویان» روز جهانی دانشجو شناخته شد و همه ساله در تمام کشورها مراسمی باین مناسبت برگزار میگردد.

رژیم سفاک همه ساله برای سرکوبی این جنبش متوسل به حربه تازه ای میگردد. ابتدا کوشید تا شاید این نطفه را در دانشگاه تهران خفه کند و با دستگیری رهبران دانشجویان و دخالت گارد نظامی و پراکنده کردن دانشکده ها و قسمتهای مختلف آن (بخصوص فنی) سعی کرد از گسترش این حرکت بکاهد، وقتی از مهار کردن دانشگاه تهران ناامید شد کوشید حداقل مانع سرایت جنبش بسایر دانشگاهها شود و علاوه بر آن در تلاش این برآمد که محیطهای تازه دانشگاهی بوجود آورد و یکی از دلخوشی هایش برای تاسیس این دانشگاهها این بود که از ابتدا با برنامه حساب شده ای در گزینش استاد و دانشجو مانع بروز تظاهرات گردد. بر اساس این برنامه دانشگاه پهلوی شیراز، دانشگاه ملی، و دانشگاه آریامهر را تاسیس کردو بشدت کوشید آنها را از جریانات دانشجویی و جنبش برکنار داردو بخاطر رقابت با دانشگاه تهران بیشترین بودجه و کاملترین امکانات را برای آنها فراهم کرد اما بمصداق «ان کید الشیطان کان ضعیفا» همین دانشگاه ها بزودی بزرگترین پایگاه علیه خودش شدند بطوریکه امروز بالاترین رقم شهدای جنبش مسلحانه خلق متعلق به دانشگاه آریامهر است و دانشگاه پهلوی شیراز که مدتها تحت ریاست غلام خانه زاد «علم» بوده است امروز پر تحرک ترین و مبارزترین دانشجویان را دارا است.

مبارزات دانشجویی همه ساله در ۱۶ آذر اوج میگرددو ساواک با تمام امکاناتش هرگز نتوانسته آتش این عشق و امید را خاموش کند، نه با حضور گارد مسلح نه تهدیدو محرومیت و نه اخراج و منحل کردن ترم و ...

۱۶ آذر تا سال ۱۳۳۹ هر سال در دانشکده فنی بتنهایی برگزار میشد اما از آن سال ببعد این مراسم با شکوه بیشتری در همه دانشکده های داخل و خارج برگزار میشد. رژیم برای جلوگیری از تظاهرات ابتدا روز ۱۶ آذر و بعداً هفته قبل و بعد این روز را به بهانه امتحانات میانسال تعطیل کرد اما اکنون دانشجویان بجای یک روز ماه آذر را ماه اعتصاب میخوانند. پلیس از تظاهرات در داخل دانشگاه جلوگیری کرد، دانشجویان دامنه تظاهرات را به خیابان و چهارراه و بازار کشاندند... ..

در آخرین و تازه ترین چاره جویی ضمن تشکیل اتحادیه ای از دانشجویان وابسته به ساواک و خودفروخته و پخش مجله اتحاد و توضیحات و پیغامهای انحرافی به دانشجویان، مشاورین پست ساواک چنین توصیه کرده اند که چاره ای جز پذیرفتن ۱۶ آذر و تظاهر به تجلیل از آن نیست اما باید آنها تحریف کرده و از محتوی خالی ساخت بگونه ای که اثر انقلابی خود را از دست بدهد و به این طریق به آزادی ابران عقیده او را فریب داده از حمایت جنبش مسلحانه برکنار داردو به کارهای حاشیه ای مشغول سازد. این برنامه که با مشورت و صلاحدید خود فرعون تنظیم شده بود در شروع سال تحصیلی جاری بشرح ذیل اجرا شد:

در روز اول مهر ماه هنگام افتتاح دانشگاه در حضور شاه سه نفر از دانشجویان و فارغ التحصیلان به صورت باز و بی پرده مقاله ای را که ساواک ماهرانه تهیه کرده بود قرائت کردند، مامورین دانشجویانای ساواکی مسیله تظاهرات و اعتصابات و واقعه تاریخی ۱۶ آذر را بازگو و تحلیل کرده تقصیر ها را بگردن سربازان و سرپرستان دانشکده میاندازندو شاه و دولت را از این جنایت مبرا میسازند. ساواک از این برنامه چند هدف را تعقیب مینماید:

۱ - واقعه ۱۶ آذر را عمل تصادفی و اتفاقی جلوه میدهد که عده ای سرباز بدون برنامه و دستور قبلی بخاطر آنکه مورد اهانت بعضی از دانشجویان قرار گرفته اند عصبانی شده و تیر اندازی کرده اند بنا بر این نه انگیزه سیاسی در کار بوده و نه وابستگی به جنبش ضد استبدادی وجود داشته.

۲ - با وجود اینکه ادعا میکند این واقعه تصادفی بوده میکوشد تا مطرح کردن اینکه چرا شاه مملکت در ۱۵ بهمن در دانشگاه مورد سوء قصد قرار گرفت و چرا گروهی بنام دانشجو در دانشگاه با اصلاحات ارضی مخالفت کردند (اشاره به نهضت امام خمینی و قیام خرداد) و چرا بختیار که در آن موقع (۱۶ آذر) فرماندار نظامی بوده و بعد ها از مخالفین دولت شده و با کنفدراسیون دانشجویان و دولت عراق بر علیه شاه همکاری کرده است، اصالت آنرا نفی کرده و موضوع را، برنامه از قبل طراحی شده ای توسط بیگانگان معرفی نماید که می خواسته اند شاه را بدنام سازند؟

۳ - با مطرح کردن ابهام و پیچیدگی مسایل سیاسی آن دوره و سرگردانی و عدم پختگی سیاسی زعما، آنروز اضافه میکند چگونه یک دانشجوی ۲۰ ساله سال اول بدون آموزش سیاسی میتواند است مسایل آنروز را درک کند؟ بنابراین آلت دست قرار گرفته و از خارج رهبری شده است.

ما در اینجا فقط یک سوال مطرح میکنیم و تاریخچه دقیق ۱۶ آذر را جداگانه منتشر ساخته در معرض قضاوت شما قرار میدهیم: سربازان را چه کسی بدانگاه راه داده بودو چرا مسلسل داشتند؟

چرا افسر فرمانده و سربازان و درجه داران مسوول این جنایت بجای آنکه تسلیم قانون و اعدام شوند، از طرف فرمانداری تهران (سرلشکر باتمانقلیچ) درجه و نشان و پاداش گرفتندو خود بختیار که مسوول اینکار بوده به ریاست سازمان امنیت ارتقاء پیدا کرد؟

خواهران و برادران دانشجو

در این شرایط که دشمن همه وسایل و امکانات پلیسی، سیاسی و تبلیغاتی خود را برای نابود کردن مبارزه انقلابی مردم ایران و سرکوب جنبش های پیشتاز بکار انداخته است، ما باید با هوشیاری کامل توطیه های خاینانه رژیم را خنثی کرده و با فشردن صفوف خود در جنبش ضد استبدادی خلق، به مبارزه خویش با تمام قوا ادامه دهیم. با بلند کردن فریاد اعتراض ملت ایران و پاره کردن نقاب های فریبنده، از تنگناهای فعلی که رژیم بدان دچار شده است برای گسترش ابعاد مبارزه و بسیج خلق ستمدیده سود جوییم. در این مبارزه دانشجویان مبارز و مسلمان که در دهه اخیر صفوف مقدم جبهه مبارزه ضد استعماری و ضد استبدادی ملت ایران را اشغال کرده سهم بزرگی در حمایت از جنبشهای مسلحانه خلق بر عهده داشته اند وظیفه و مسوولیتی مشترک بر دوش دارند.

خواهران و برادران شما بخوبی احساس کرده اید که رژیم لبه تیز حملات پلیسی و تبلیغات و جنگ روانی خود را عمدتاً، متوجه سازمانهای ما و آرمانها و اهداف مقدس ما کرده است این امر به تنهایی ثابت میکند که فداکاریها و جانبازیهای شما تا چه حد در تضعیف دشمن و گسترش مبارزه مردم ایران تاثیر داشته است.

رژیم مکار میخواهد با تشدید جنگهای تبلیغاتی و نفاق افکنی و ایجاد اختلاف و همراه با آن با وارد کردن ضربات پلیسی و نظامی روحیه شما را متلاشی سازد. اجازه ندهید عناصر فاقد احساس مسوولیت نسبت به جنبش و یا ناآگاه نسبت به توطیه های رژیم و یا مغرض و فرصت طلب با اشتباهکاری با اقدامات دانسته و مغرضانه خود به تفرقه و نفاق و اختلاف در میان مبارزین کمک کنند ضمن تقویت مبانی فکری و ایدیولوژیک و همراه با فشردن صفوف خود در جنبش و حفظ اصالت و استقلال کامل خویش پرچم هم آهنگی بین همه مبارزین ضد رژیم را بر دوش حمل کرده، هدفهای اصیل مبارزه مردم و مصالح جنبش های انقلابی خلق را همیشه پیش رو نگاه داریم زیرا عوامل دشمن و یا فرصت طلبان سیاسی سعی خواهند کرد با استفاده از موقعیت ها جنبش را از مسیر اصلی منحرف سازندو مردم مبارز و در پیشاپیش

آنها دانشجویان را متوجه هدفهای غیر اصیل ساخته مبارزه خلق را از حمایت قشرهای مبارز محروم سازند و مبارزه انقلابی و مسلحانه مجاهدان پیشتاز را به انزوا بکشانند.
میکوشیم تا بار دیگر دشمن را در برنامه هایش دچار شکست سازیم و مبارزه ضد دیکتاتوری ملت ایران را یک گام دیگر بسوی پیروزی نهایی به پیش رانیم.
پیروز باد مبارزه ضد استبدادی ملت ایران درود بر مجاهدان قهرمان جنبش های پیشتاز موفق باد جنبش دانشجویی پیشتاز مبارزه ضد محمد رضا شاهی خلق ایران دانشجویان مسلمان مبارز

آذر ۱۳۵۵